

## واکاوی در گرایش مذهبی علم‌شاه خاتون مادر شاه اسماعیل براساس مضامین کتیبه‌ها

### و اسناد میراث جهانی مجموعه خانقاهی - آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی

An Analysis of the Religious Attitude of ĀlamShāhKhātun, Mother of Shāh Ismā'īl Safavid, Based on the Concepts of Inscriptions and World Heritage Documents of Sheikh Safi al-Din Khangāh and Shrine Ensemble in Ardabil

Hasan Yousefi<sup>1\*</sup>, Malakeh Golmoghani Zadeh Asl<sup>2</sup>, Ali Farhani<sup>3</sup>

حسن یوسفی<sup>۱\*</sup>، ملکه گل‌مغانی‌زاده اصل<sup>۲</sup>، علی‌فرحانی<sup>۳</sup>

<sup>1</sup> General Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, Ardabil Province. Corresponding author: rymh2012@yahoo.com

<sup>۱</sup> اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، استان اردبیل، ایران. نویسنده مسئول: rymh2012@yahoo.com

<sup>2</sup> General Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Ardabil Province.

<sup>۲</sup> اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اردبیل.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Iranian Center for Archaeological Research (ICAR).

<sup>۳</sup> استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>تاریخ‌ها</b> دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹	اسناد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی نقش مهمی در روشن کردن تاریکی‌ها و ابهامات تاریخی و بررسی تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک دوره زمانی دارند. میراث جهانی مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی دارای منابع و اسناد بسیار و ناشناخته دو عصر شیخوخت و سلطنت صفویان است که برای تکمیل حلقه‌های گمشده تاریخ مذهبی صفویان، قبل از رسمیت حکومت ملی ایران بر پایه آموزه‌های تشیع، بسیار راهگشا هستند. یکی از مباحث تاریخی عمده سه دهه پایانی سده نهم و دو دهه نخست سده دهم هجری، علنی‌سازی گرایش مذهبی صفویان و رونمایی کامل آن با اقتدار مؤسس سلسله است. در این مقاله با بهره‌گیری از مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، بر اساس منابع دست اول، یادگارهای مذهبی، کتیبه‌ای و اسناد خطی موجود در میراث جهانی مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی به واکاوی در گرایش مذهبی علم‌شاه بیگم، مادر شاه اسماعیل صفوی، پرداخته شده است. مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در این پژوهش عبارت است از: دلایل انتساب سنگ مزار مرمری موجود در حیاط مقابر، جوار بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به مادر شاه اسماعیل چیست و این اثر مربوطه به چه تاریخی است؟ ارتباط گرایش دینی مذهبی علم‌شاه خاتون با مضمون سند خطی نویافته در بین اسناد مجموعه و مضامین کتیبه‌ای این سنگ مزار چیست؟ علاوه بر این در این نوشتار تلاش خواهد شد تعبیر گرایش دینی علم‌شاه خاتون از عیسوی به محمدی با محوریت تشیع مورد بررسی قرار گیرد. تجزیه و تحلیل مضامین اسناد کتیبه‌ای موجود در تشکیلات دینی و آموزشی شیخ صفی‌الدین اردبیلی متعلق به اواخر سده نهم و سه دهه اول قرن دهم هجری نشان‌دهنده علنی‌سازی و رونمایی گرایش مذهبی علم‌شاه در پذیرش اسلام و ایمان به مذهب همسرش است که بخشی از آن با مضامین کتیبه‌ای شیعی و دفن او در جوار روضه جد صفوی به تجلی رسیده است.
<b>واژگان کلیدی</b> صفویان مذهب سنگ مزار علم‌شاه بیگم مادر شاه اسماعیل مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی	

**Abstract:** Historical documents and archaeological data play an important role in clarifying obscurities and ambiguities in history and in analyzing the cultural, political, economic, and social developments of a given period. The UNESCO World Heritage Site of the Complex of Sheikh Safi al-Din Ardabili contains many known and unknown sources from the periods of Sufi leadership and Safavid rule. These materials are essential for filling the gaps in the religious history of the Safavids before the formal establishment of a national Iranian government based on Shi'a. One of the key historical issues in the last three decades of the 9th century AH and the first two decades of the 10th century AH is the public declaration of the Safavid religious inclination, which became fully apparent with the rise of the dynasty's founder. This article, using field, library, and documentary studies, along with a descriptive-analytical method based on first-hand sources, investigates the religious orientation of Alamshah Begum, mother of Shah Ismail I, based on religious relics, inscriptions, and manuscripts preserved in the Sheikh Safi complex. The main questions addressed include: What are the reasons for attributing the existing marble tombstone in the cemetery courtyard next to Sheikh Safi's shrine to Shah Ismail's mother, and what is its date? What is the connection between Alamshah Khatun's religious orientation and the contents of the newly discovered manuscript in the collection and the inscriptions on her tombstone? This study also examines her transformation from Christianity to Islam, with a focus on Shi'ism. Analysis of inscriptional documents from the religious and educational institutions of Sheikh Safi from the late 9th and early 10th centuries AH shows the public declaration of her belief in Islam and her husband's Shi'a faith, partially reflected in Shi'a inscriptions and her burial near her Safavid ancestor.

**History**  
Received: Oct. 22, 2024  
Accepted: Dec. 9, 2024

**Keywords**  
Safavids  
Religion  
ĀlamShāh Begum  
Mother of Shāh Ismā'īl  
Sheikh Safi al-Din Ardabili Complex

استاد: یوسفی، حسن، گل‌مغانی‌زاده اصل، ملکه، فرحانی، علی (۱۴۰۳). «واکاوی در گرایش مذهبی علم‌شاه خاتون مادر شاه اسماعیل براساس مضامین کتیبه‌ها و اسناد میراث جهانی مجموعه خانقاهی - آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی». باستان‌شناسی، ۴ (۳): ۱۱۶-۱۰۱.

<https://doi.org/10.22034/4.3.6>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نویسندگان مقاله، مجله باستان‌شناسی، مجله پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.

## مقدمه

مدارک کتیبه‌ای از جمله اسناد مهم علمی در روشن شدن حقایق تاریخی به‌شمار می‌روند. یکی از مسائل چالش‌برانگیز در صفویه‌پژوهی، تبارشناسی دینی این سلسله، به‌ویژه بررسی گرایش مذهبی و سیادت آنان در عصر شیخوخیت (۹۰۷-۷۰۰ق) یا دوره پیشاصفوی است. هرچند اظهار نظر قطعی درباره گرایش مذهبی صفویان، همانند تبارشناسی و خاستگاه ایرانی، کردی، عربی یا ترکی آنان، به دلیل کمبود منابع و اسناد تاریخی، از دشوارترین و در عین حال جالب‌ترین حوزه‌های مطالعاتی عصر صفوی است، در نیم‌سده اخیر تحقیقات مفیدی درباره گرایش مذهبی این سلسله، با استناد به نسخ خطی، وقف‌نامه‌ها و فرامین به چاپ رسیده است (شیخ‌الحکامی، ۱۴۰۲: ۷۱۰-۷۰۳؛ موریموتو، ۱۳۹۰: ۲۶۳-۲۴۱؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲-۵۹). این تحقیقات از جمله جدیدترین پژوهش‌های انجام‌یافته در زمینه تبارشناسی مذهبی صفویان پیش از تأسیس حکومت آنان به‌شمار می‌رود.

صفویه‌پژوهان به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند که با ارائه فرضیه‌هایی، به رد یا اثبات تشیع و سیادت در این خاندان پرداخته‌اند. پیشگامان تردید در سیادت و گرایش مذهبی صفویان، ولیدی طغان و احمد کسروی (۱۳۵۲: ۸۰، ۶۹-۱۳، ۵۳، ۶۴) و پیروانشان، محققانی چون ادوارد براون (۱۳۶۹: ۴۸) و فلسفی (۱۳۷۵: ۱۹/۱) هستند که به نقد این مسئله پیش از تأسیس دولت صفوی پرداخته‌اند. در مقابل، دسته‌ای دیگر با رد آرای مخالفان، از وجود سیادت در خاندان صفوی دفاع کرده‌اند. به باور این گروه، شواهد تاریخی و مدارک باستان‌شناسی احتمالی، در دیدگاه مخالفان نادیده گرفته شده است. طرفداران این فرضیه، با تکیه بر مدارک باستان‌شناسی نویافته از عصر شیخوخیت، در پی اثبات وجود سیادت و گرایش تشیع در خاندان صفوی برآمده‌اند (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۰۳؛ نعمت‌اللهی، ۱۳۶۱: ۱۵-۱۰؛ موسوی اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷/۲: ۲۰-۱۷، ۱۱-۱۰؛ الشیبی، ۱۳۸۵: ۳۷۲؛ رویمر، ۱۳۷۰: ۳۲۵-۴۵؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۱۹۱).

در راستای تکمیل تحقیقات پیشین، این پژوهش دو سند دیگر از مجموعه اسناد میراث جهانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی را در زمینه گرایش مذهبی صفویان، هم‌زمان با تلاش‌های سیاسی و نظامی فرزندان شیخ حیدر صفوی (وفات ۸۹۳ ق) در اردبیل برای

به‌دست‌گرفتن حکومت، معرفی می‌کند و با بهره‌گیری از دیگر اسناد نویافته، با طرح پرسش‌هایی از این قبیل به تبیین موضوع می‌پردازد: الف. چه ارتباطی میان گرایش دینی علم‌شاه بیگم، مادر شاه اسماعیل، با مضامین اسناد مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و کتیبه سنگ مزار این بانو وجود دارد؟

ب. دلایل انتساب سنگ مزار مرمی موجود در حیاط مقابر، در جوار بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به مادر شاه اسماعیل و تاریخ آن چیست و این سنگ قبر مربوط به چه تاریخی است؟

همچنین در این پژوهش به تبیین تغییر گرایش دینی علم‌شاه بیگم، همسر سلطان حیدر، از آیین عیسوی به دین محمدی با گرایش تشیع پرداخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که دوره رهبری نهضت صفویان توسط شیخ حیدر صفوی تا قیام شاه اسماعیل، از مهم‌ترین و اسرارآمیزترین دوره‌های تاریخ ایران و سلسله صفوی به‌شمار می‌رود. در این میان، به نظر می‌رسد نقش حلیمه بیگم، همسر سلطان حیدر، در هدایت نهضت صفوی، حضانت وارثان صفوی و نجات آنان برای بنیان‌گذاری دولت صفوی در آینده، ناشناخته مانده است. حدس و گمان‌های دور از واقعیت تاریخی که درباره گرایش مذهبی این بانو از سوی اغلب صفویه‌پژوهان مطرح شده، منجر به گمراهی و برداشت‌های نادرست از تحولات دینی این دوره شده است.

کتیبه سنگ مزار منسوب به مادر شاه اسماعیل صفوی، موجود در حیاط مقابر مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، از جمله اسناد مهم در زمینه علنی‌شدن تحولات دینی و گرایش مذهبی در این خاندان به‌شمار می‌رود. به‌عبارت دیگر، مضامین کتیبه سنگ مزار علم‌شاه خاتون و سند خطی دسپینا خاتون نشان‌دهنده تغییر گرایش دینی علم‌شاه، پس از ازدواج با سلطان حیدر صفوی، از آیین عیسوی به دین محمدی و در مرحله بعد، گرایش به تشیع در دوره پیشاصفوی است.

## روش پژوهش

در این پژوهش، نمونه کتیبه‌ها و اسناد خطی به روش میدانی، و اطلاعات تکمیلی به روش اسنادی گردآوری شده است. بر این اساس، تحقیق با بهره‌گیری از مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و

پژوهش حاضر، ضمن بازنگری در کتیبه سنگ مزار منسوب به مادر شاه اسماعیل در محوطه حیاط مقابر مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، با بهره‌گیری از دیگر متون کتیبه‌ای و اسناد خطی هم‌زمان با این اثر، در پی تبیین موضوع و اثبات تغییر دین علم‌شاه خاتون از مسیحیت به اسلام و گرایش او به مذهب همسرش است.

### محوطه معروف به حیاط مقابر در مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی

مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، واقع در مختصات جغرافیایی ۳۸ درجه، ۱۴ دقیقه و ۵۲ ثانیه عرض شمالی و ۴۸ درجه، ۱۷ دقیقه و ۲۷ ثانیه طول شرقی، در دوران شکوفایی خود با بیش از ۶۰ فضای قدسی، صحن‌های متعدد و محوطه‌ای مقدس، به‌عنوان «یکی از پنج شهر کوچک خدا در سده هشتم هجری تا عصر صفوی» شناخته می‌شد (بلر، ۱۳۸۷: ۱۰۹). این مجموعه در آغاز احداث، همانند شهری کوچک در عالمی مستقل با بازارها، حمام‌ها، میدان‌های عمومی، تسهیلات مذهبی، منازل و ادارات ویژه خود فعالیت داشت. محل باغ و خانقاه شیخ، در ابتدا با تسهیلات مناسب برای آموزش و تربیت، حتی در زمان حیات خود شیخ، واجد جنبه‌های خاص معماری شد (ویلبر و همکاران، ۱۳۷۴: ۵۰۷). این شکوه در دوره صفوی، به‌ویژه در سده‌های دهم و یازدهم هجری، ادامه یافت؛ چنان‌که با وجود استقرار دربار شاهی در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان، اردبیل همچنان به‌عنوان پایتخت ملی و مذهبی ایران تلقی می‌شد (ویور، ۱۳۵۶: ۶۸).

افزون بر یادمان‌های آرامگاهی شناخته‌شده این مجموعه، در کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ و نیز در سال ۱۳۸۵، بقایایی از آب‌انبار و فضاهای مسکونی خاندان صفوی، معبر چله‌خانه (موسوی، ۱۳۷۸: ۳۴-۴۰۹)، بخش‌هایی از آثار معماری حمام و آشپزخانه تاریخی، چله‌خانه قدیم، مقبره بچه شیخ، معبر جنت‌سرا، آشپزخانه، شهیدگاه و دروازه اصلی تشکیلات دینی و آموزشی شیخ صفی‌الدین اردبیلی کشف و شناسایی گردید (یوسفی، ۱۳۹۵).

برجستگی دارالارشاد اردبیل دست‌کم از سه منظر قابل بررسی است: طراحی مهندسی، هنرهای کاربردی وابسته به معماری و

اسنادی، و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر بازخوانی سه سند نویافته از دهه پایانی قرن نهم هجری به خط کاترینا، ملقب به دسینا خاتون - دختر کالویونس، آخرین امپراتور طرابوزان از خاندان مسیحی‌الاصل کومنی، مادر علم‌شاه خاتون - و نیز بررسی مضامین سنگ مزار مادر شاه و سنگ‌فرمان سلطان‌علی میرزا (متوفی ۹۰۰ هـ)، متعلق به دو دهه نخست سده دهم هجری، در پی تبیین تحولات دینی و گرایش مذهبی این خاندان، به‌ویژه علم‌شاه بیگم، پیش از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل است.

### پیشینه پژوهش

تاکنون درباره مضامین فرامین و سنگ‌مزارات صفویان در اردبیل، به‌ویژه سنگ مزار علم‌شاه خاتون، مادر شاه اسماعیل صفوی، و تبیین مفاد آن‌ها در ارتباط با تبارشناسی دینی و گرایش مذهبی این سلسله، پژوهش علمی مستقلی انجام نشده است. در تحقیقات پیشین، نه‌تنها خوانش دقیقی از متن سنگ مزار موجود در حیاط مقابر منتسب به علم‌شاه خاتون ارائه نشده، بلکه ارتباط مضمون آن با تغییر احتمالی گرایش دینی و مذهبی این بانوی تأثیرگذار پس از ازدواج با شیخ حیدر نیز نادیده گرفته شده است. افزون بر این سند، ارتباط مفاد سنگ‌فرمان منسوب به سلطان‌علی میرزا، برادر ارشد شاه اسماعیل صفوی، معروف به «سنگ سیادت» - که زمانی بر بدنه مناره مدور مسجد جامع اردبیل نصب بود - با مضمون سنگ مزار علم‌شاه خاتون و تحولات تبارشناسی دینی و مذهبی صفویان، تاکنون مغفول مانده است.

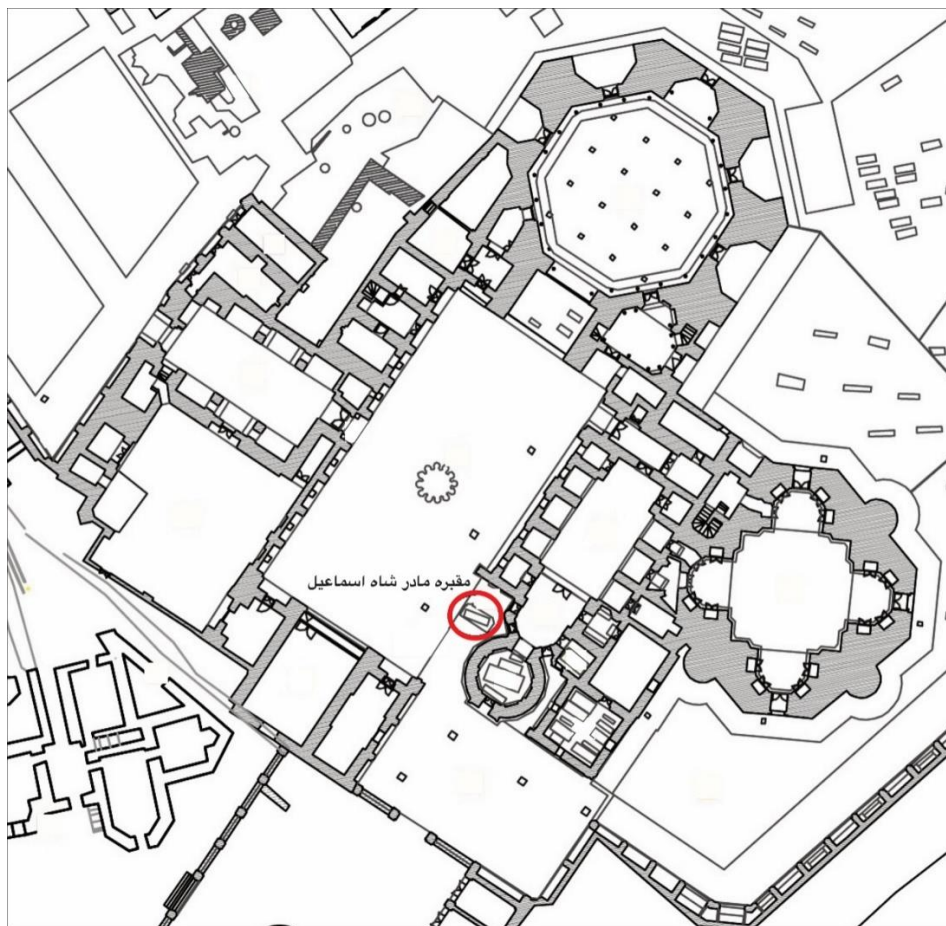
علاوه بر منابعی که به این موضوعات به‌طور مستقیم نپرداخته‌اند (رک. به ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵؛ صفری، ۱۳۷۸؛ موسوی اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷؛ ویور، ۱۳۵۶؛ دیباج ۱۳۴۶؛ ۱۳۴۳؛ شهبازی شیران، ۱۳۷۲)، در تحقیقات پراکنده‌ای که درباره برخی یادگارهای مذهبی میراث جهانی مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، از جمله سنگ‌مزارات شهیدگاه، انجام شده بیش‌تر بر گونه‌شناسی فرم سنگ‌ها، تزیینات غیرکتیبه‌ای یا خوشنویسی کتیبه‌ها تمرکز شده است (رک. به رحیمی، ۱۳۹۸؛ صفایی، ۱۳۹۷؛ شایسته‌فر، ۱۳۸۸؛ گلمغانی زاده اصل، ۱۳۸۱). در این پژوهش‌ها نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به ارتباط مفاد کتیبه‌های مورد بررسی با گرایش مذهبی سلسله صفوی در دوره پیشاصفوی دیده نمی‌شود.

محدوده آن با دیواری آجری و سنگی از شهیدگاه و خانه‌های مسکونی غربی جدا می‌شد. در تاریخ مذکور، این مقابر تسطیح، با خاک یکسان، و آجر فرش گردید (صفری، ۱۳۷۰: ۲۲۳).

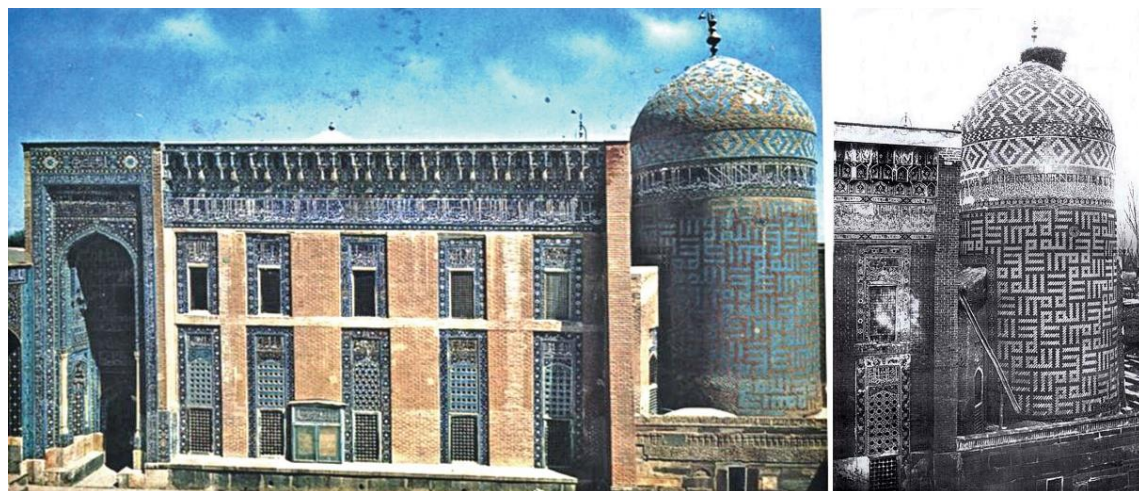
سنگ مزار علم‌شاه، پیش‌تر دارای پوشش گنبدی ساده و کوچکی از آجر و دیواره‌ای سنگی بود و در امتداد نمای غربی تالار دارالحفاظ تا دیوار شرقی دارالحدیث، از صحن بقعه جدا می‌شد (شکل ۲). ورود به مقبره و به تبع آن، به حیاط مقابر، از طریق درهایی تعبیه‌شده در صفحه دیوار همین بخش امکان‌پذیر بود (شکل ۳). در بخش فوقانی دیوار حایل میان صحن و حیاط مقابر، کتیبه‌ای سنگی با خطنگارهای ثلث و تزئینات دوار اسلیمی وجود داشت که از دیگر آثار شاخص این بخش محسوب می‌شد. این دیوار، به همراه سنگ مزارات قدیمی، در سال ۱۳۰۹ هجری قمری برجیده شد (شکل ۴) و سنگ‌های آن در ساخت پله‌ها و سکوها مورد استفاده قرار گرفت (تراپی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

تأثیر ادبیات عرفانی در هنرهای مجموعه. این ویژگی‌ها باعث شد که این اثر دینی و آموزشی به‌عنوان کامل‌ترین مجموعه خانقاهی و آرامگاهی ایران، یازدهمین اثر ثبت شده ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو، با شماره ۱۳۴۵ باشد.

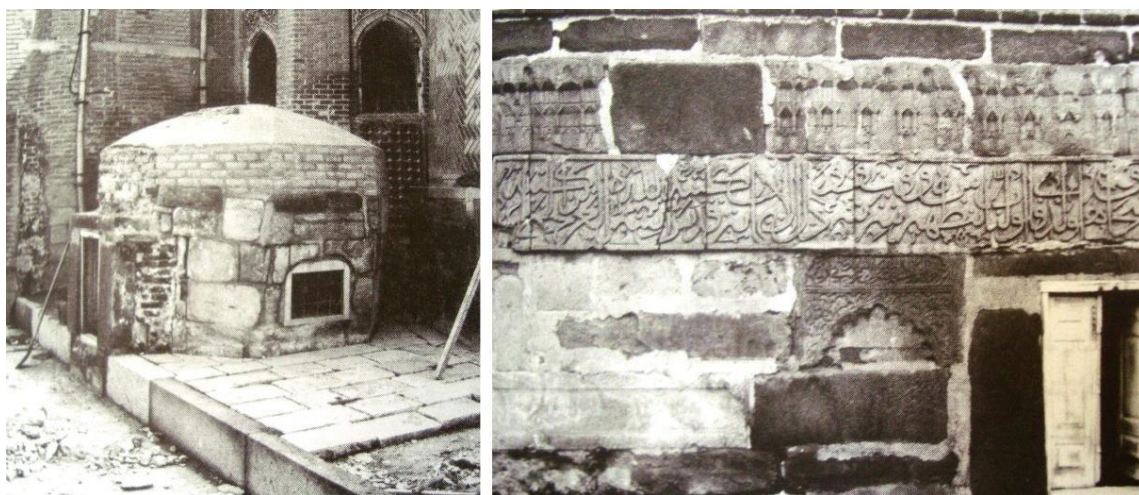
در محوطه معروف به حیاط مقابر، در نزدیکی مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی و در نقطه آغاز قبرستان مطهر اهل غربت و شهیدان طریق علم، جهاد و خدانشناسی، معروف به شهیدگاه، سنگ مزار مرموری مادر شاه اسماعیل با شماره اثر ۸۰/۶۸، به طول ۲ متر، عرض ۴۵ سانتی‌متر و بلندی ۳۵ سانتی‌متر، مزین به حجاری‌ها و حکاکی‌های سده دهم هجری، در محفظه‌ای شیشه‌ای به نمایش درآمده است (شکل ۱). این اثر در بخش جنوب صحن (ساحت) و غرب روضه شیخ، نمونه‌ای از هم‌نشینی متن و نقش در صنعت حکاکی و حجاری به‌شمار می‌رود. در این محوطه، تا سال ۱۳۱۷ هجری قمری، مقابر بزرگان ایران قرار داشت و



شکل ۱. موقعیت مقبره مادر شاه اسماعیل صفوی در نقشه میراث جهانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).



شکل ۲. مقبره مادر شاه اسماعیل در نزدیکی گنبد الله قبل از برچیده شدن بنا و دیوار حائل (Sarre, 1924؛ مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).

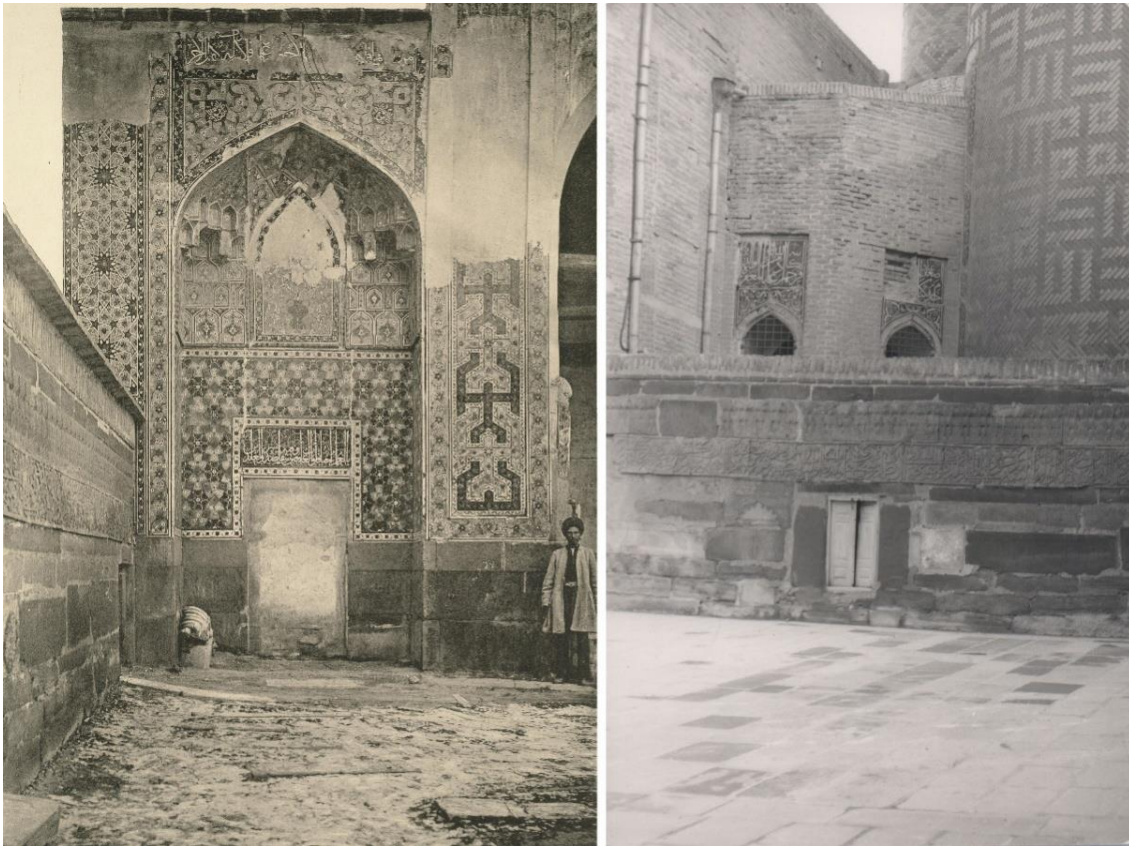


شکل ۳. مقبره مادر شاه اسماعیل صفوی در عصر قاجار و بعد از برچیدن دیوار حایل در سال ۱۳۰۹ ش (Sarre, 1924؛ ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵).

سطح سنگ قبر متشکل از یک طاق قوسی محرابی شکل و نمادین است که با تزئیناتی متنوع از جمله کتیبه‌های خوشنویسی شده، آرایه‌های اسلیمی، گل و گلدان (نماد سدره‌المنتهی)، برگ، پیچک و گل‌های شاه‌عباسی تزئین شده است (شکل ۵).

کادر مستطیلی پیشانی سنگ مزار، مزین به بخشی از آیه اول سوره الرحمن «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» به خط شیوای ثلث است. حاشیه‌های فوقانی چهار طرف اثر با متون قرآنی آراسته شده است؛ در گستره حاشیه شمالی سنگ، آیة‌الکرسی (البقرة/۲۵۵-۲۵۷)، آیات ۲۸۵-۲۸۶ همین سوره و آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر، همانند دیگر خطوط خوشنویسی اثر، به خط ثلث اجرا شده‌اند.

از جمله آثار شاخص دیوار حایل حیاط مقابر، علاوه بر کتیبه بلند، چند قطعه (لوح) سنگی نمادین بود؛ «یکی از این سنگ‌های سفید مرمری به شکل دایره با قطری بین ۴۲ تا ۵۰ سانتی‌متر که بر دیوار حایل نصب شده بود، تحت عنوان آرم دولت صفوی معروف بود» (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۲۳). پس از تخریب دیوار، این سنگ نیز به عمارت چینی‌خانه منتقل شد و هم‌اکنون در موزه چینی‌خانه نگهداری می‌شود. طراحی نقش‌مایه‌های هنری در سراسر این سنگ، با انتخاب مضامین قرآنی و با رویکردی تفسیری - شیعی، حدیثی و دعایی، آن را به شاهکاری از هنر سنگ‌تراشی، کتیبه‌نگاری، حکاکی، طراحی و خوشنویسی بدل ساخته است.



شکل ۴. دیوار حایل مقبره مادر شاه اسماعیل در دوره‌های قاجار و پهلوی قبل از تخریب و برچیده شدن (مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).

در حاشیه فوقانی همین سمت و در میان موج‌های تزینی، آیات اول و دوم سوره مبارکه الضحی (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالضُّحٰی وَاللَّیْلِ اِذَا سَجٰی) از ضلع جنوبی اثر آغاز شده و با ادامه آیات ۳ تا ۱۱ این سوره امتداد می‌یابد. کتیبه اخیر با ذکر صلوات بر پیامبر (ص) و سپاس از پروردگار چنین پایان می‌یابد:

«سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُوْنَ، وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، بِكَ... السُّبٰتِ» است.

اما تزینات خط‌نگاره‌های سمت چپ سنگ قبر، به سه بخش کاملاً مجزا از یکدیگر تقسیم می‌شود. در حاشیه نواری فوقانی، آیه چهارم از سوره الشمس درج شده است. در زیر این نوار و در سمت چپ آن، چهار موج کتیبه‌ای قابل مشاهده است که با گل‌های ظریف از هم جدا شده‌اند. متون این موج‌ها، همانند سمت مقابل، از مناجات‌نامه حضرت علی (ع) انتخاب شده و به شرح زیر است:

موج اول: اِلٰهٰی وَخَلٰقِی وَحِرْزِی وَمَوْلٰی.  
ای خدای آفریننده من، و پناه و نگهبان من.

سنگ مزار در پهلوی راست، شامل سه بخش مجزا است: قسمت مرکزی، چهار ترنج حجاری شده که با گل‌های شاه‌عباسی، گل و برگ و اسلیمی محدود شده‌اند. ترنج‌ها با گل‌های چندبرگ از یکدیگر جدا شده‌اند و در داخل موج‌هایی از چپ به راست، متون عرفانی منتخب از مناجات‌نامه حضرت علی (ع) به شرح زیر نگاشته شده‌اند:

موج اول: اِلٰهٰی تَرٰی حَالِی وَفَقْرِی وَفَاقِی.  
ای خدا، تو حال زار مرا می‌بینی و از فقر و درماندگی ام آگاهی.

موج دوم: وَأَنْتَ مَنَاجَاتِی الْخَفِیَّةَ تَسْمَعُ.  
و تو مناجات و راز و نیاز پنهانی ام را می‌شنوی.

موج سوم: اِلٰهٰی اِنْ عَذَّبْتَنِی اَلْفَ حِجَّةً.  
ای خدا، اگر مرا هزار سال عذاب کنی...

موج چهارم: فَحَبْلُ رَجَائِی مِنْكَ لَا یَنْقَطِعُ.  
باز هم رشته امیدم به رحمتت گسسته نخواهد شد.

الْمُنْتَخَبِ ابْنِ مُحَمَّدِ الْحَسَنِ، وَصَلَّ عَلَى النَّجْمِ ابْنِ الْقَمَرِ ابْنِ الْإِمَامِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ السَّاجِدِينَ عَلِيِّ بْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَصَلَّ عَلَى الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْإِمَامِ مُحَمَّدٍ [متن در حاشیه تحتانی ضلع جنوبی ادامه دارد] الْبَاقِرِ، وَصَلَّ عَلَى الثُّورِ السَّاطِعِ... الْإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ [کتیبه در پهلوی راست سنگ ادامه دارد]، وَصَلَّ عَلَى السَّيِّدِ الْقَائِمِ الْإِمَامِ مُوسَى الْكَاطِمِ، وَصَلَّ عَلَى نُورِ الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الرِّضَا، وَصَلَّ عَلَى الْجَوَادِ السَّخِيِّ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ النَّقِيِّ، وَعَلَى السَّرَاجِ الْمُنِيرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ، وَصَلَّ عَلَى السَّيِّدِ [...] الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَشْكَرِيِّ، وَصَلَّ عَلَى الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ الْقُوَّةِ، الْإِمَامِ مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

موج دوم: إليك لدى الأعسار واليسرا فزع.  
در همه حال، در سختی و آسانی به تو پناه می‌برم.  
موج سوم: إلهي لئن جلت وجمت خطيئتي...  
ای خدا، اگر گناهم بزرگ و بسیار باشد...  
موج چهارم: فعفوك عن ذنبي أجل و أوسع.  
باز عفو و بخشش تو از گناه من بزرگ‌تر و گسترده‌تر است.  
کتیبه حاشیه سمت چپ و راست و پهلوی جنوبی سنگ قبر چنین است:  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِ عَلِيِّ الْمُطَهَّرِ الْإِمَامِ الْغَالِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَصَلِّ عَلَى الْإِمَامِ



شکل ۵. کتیبه‌های پیشانی و پهلوی شمالی و جنوبی و ترنج‌های دو پهلوی شرقی و غربی مزین به مناجات‌نامه حضرت امام علی (ع) (نگارندگان).

پی آن توسعه سیاسی صفویان در منطقه و فراتر از آن، در حوزه آرس و آنتاولی، به تکاپو افتاده و موفق به پیوند با آق‌قویونلوها شدند. مرحله دوم این دوره، که هم‌زمان با حاکمیت یعقوب بیگ و قتل سلطان جنید و فرزندش سلطان حیدر، و نیز تبعید و حبس علم‌شاه خاتون و فرزندان سلطان حیدر است، با جانشینی رستم بیگ آق‌قویونلو و توطئه قتل سلطان‌علی میرزا — جانشین سیاسی و مذهبی صفویان — وارد نقطه‌ای بحرانی می‌شود. با این حال، به‌واسطه درایت علم‌شاه خاتون و حمایت صوفیان خاص قزلباش، سران آق‌قویونلو نتوانستند مانع به قدرت رسیدن فرزندان آخرین شیخ

در ارتباط با محتوای این سنگ مزار و تحولات تبارشناسی دینی و مذهبی عصر صفوی باید گفت تاریخ سلسله صفوی در دو دهه پایانی عصر شیخوخت یا دوره پیشاصفوی، یکی از دوره‌های مهم اما مبهم این سلسله است. مرحله نخست این دوران، نقطه آغاز خیزش مذهبی و قدرت‌نمایی سیاسی و نظامی دو شیخ غازی یعنی سلطان جنید ملقب به ابوالهدایه و سلطان حیدر ملقب به ابوالولایه است. در این دوره زمانی کوتاه (کمتر از نیم‌سده)، رهبران این نهضت سیاسی - نظامی برای نزدیکی به کانون قدرت و تقویت پایه‌های دینی، و در

نیز توجه داشت که ممکن است مقبره مادر شاه طهماسب در مسیر بین روضه شیخ و آشپزخانه قرار داشته باشد؛ در این صورت، مقبره می‌بایست در موقعیت و جوار «جنت‌سرا» قرار گرفته باشد.

برخی محققان با نقد انتساب سنگ مزار مورد بحث به مادر شاه اسماعیل، معتقدند که با توجه به متن کتیبه این اثر:

«هذا مرقد العقیفه الطاهره، منبع زلال الخلاله الباهره، عصمه السلطنه و الدنيا و الدین خان آقاخان، تعمدالله تعالی بالرحمه و الغفران، و اسکنه و الدنيا فی الفرداس الجنات، سنه سبع و ستین و سبع مائه [۷۶۷ ق]»

نسبت‌دادن این اثر به مادر شاه اسماعیل نادرست است (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵: ۱۵۱-۱۵۰). ویور نیز آن را متعلق به قرن هشتم هجری دانسته و انتساب آن به قبر مادر شاه اسماعیل را بعید می‌داند (Morton, 1974: 41). همچنین، مؤلف اردبیل در گذرگاه تاریخ این اثر را متعلق به مقبره مادر شاه طهماسب دانسته و تاریخ آن را ۹۱۷ ق ذکر کرده است (صفری، ۱۳۷۰: ۲۲۳). مورتن نیز با استناد به متن صریح‌الملک و تاریخ عباسی، سنگ مزار را متعلق به مادر شاه طهماسب می‌داند. او این اثر را مربوط به مقبره‌ای بزرگ دانسته و احتمال داده است که این سنگ در دوره‌ای متأخرتر در داخل مقبره قرار داده شده باشد (Morton, 1974: 41). بعید نیست که در دوران سلطنت شاه طهماسب اول، با انتقال پیکر تاجلو بیگم از شیراز به این محل و تدفین ثانویه وی، مقبره مورد نظر به‌عنوان آرامگاه مادر شاه طهماسب شناخته شده باشد.

در تحقیقات گروه دوم، ضمن پذیرش انتساب سنگ مزار به حلیمه بیگم، معروف به عالم‌شاه بیگم، دختر اوزون حسن آق‌قویونلو، تاریخ آن ۸۷۶ ق در نظر گرفته شده است (موسوی نجفی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۲۲). اسماعیل دیباج نیز با نسبت‌دادن آن به حلیمه خاتون، معروف به تاج خاتون یا عالم‌شاه بیگم، کتیبه سنگ را

به خط رقاع خوانده و تاریخ آن را ۷۶۷ ق ذکر کرده است:

«هذه مرقد العقیفه الطاهره منبع زلال الخلاله الباهره عصمه السلطنه و الدنيا و الدین خاقان بن خاقان، تعمدالله تعالی بالرحمه و الغفران، و اسکنها فی وادات الجنات، سنه سبع و ستین و

صفوی و بنیان‌گذاری حکومت فراگیر آنان شوند. چنان‌که هم‌زمان با این تحولات سیاسی و نظامی، شناسایی مضامین کتیبه‌ای و فرامین نویافته - از جمله سنگ مزار موجود در میان اسناد و اموال میراث جهانی مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی - نشان‌دهنده تحولات فرهنگی در خاندان صفوی است.

با آن‌که روایت شفاهی حاکی از آن است که عالم‌شاه بیگم به دلیل گرایش‌های مسیحی‌اش در بیرون از آرامگاه خانوادگی صفویان و در محوطه حیاط مقابر دفن شده است، اما تجزیه و تحلیل اسناد تاریخی نشان از تغییر گرایش دینی این بانوی فداکار از مسیحیت به اسلام دارد.

پیش از آن‌که دلایل این تغییرات تشریح شود، ضروری است دیدگاه محققان صفویه‌پژوه درباره انتساب سنگ مزار مورد بحث به دو بانوی برجسته این دوره بررسی شود. بازنگری آرای محققان و برخی منابع دوره صفوی، دو نظر عمده را آشکار می‌سازد: در صریح‌الملک و تاریخ عباسی، این مقبره به مادر شاه طهماسب نسبت داده شده است؛ چنان‌که آمده است:

«روضه علین، علو فردوس سمو، مقبره مطهر علیاحضرت بلقیس مکان، جنت‌آشیان، والدۀ نواب کامیاب شاه عالم‌پناه، بر جانب شرقی این ساحت [صحن] است، ملحق به حرم علیه، یلی موضعی که به پنجه حضرت شاه ولایت، علی علیه‌السلام منسوب است.»<sup>۱</sup>

تاریخ عباسی نیز با پیروی از صریح‌الملک، این روضه را به مادر شاه طهماسب نسبت داده است. در گزارش دیدار شاه عباس از بقعه اردبیل در سال ۱۰۲۰ ق آمده است:

«اول مقبره شیخ صفی‌الدین را زیارت کردم، بعد به آشپزخانه رفتم و در مرحله آخر، مقبره مادر شاه طهماسب را زیارت کردم.» (منجم یزدی، ۱۴۰۰: ۵۶۳).

در این گزارش، مکان مقبره نامشخص و مبهم است؛ زیرا فاصله بین آشپزخانه مجموعه و مزار فعلی بیش از ۱۰۰ متر است و منطقی نیست که مقبره‌ای نزدیک به روضه شیخ (یعنی مادر شاه طهماسب؟) پس از آشپزخانه زیارت شده باشد. البته باید به این نکته

<sup>۱</sup> عبدی بیگ شیرازی (نویدی)، زین‌العابدین، صریح‌الملک، نسخه خطی شماره ۲۷۳۴/ف کتابخانه ملی ایران و میکروفیلم‌های ۸-۱۶۵۵ و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران/ ف فیلم‌ها ۱: ۱۲۶.

تحت امرش وارد شهر اردبیل شدند و به جستجوی شاهزادگان پرداختند؛ بر اهالی شهر ظلم روا داشتند و اموال مردم را غارت کردند. اسماعیل را به دلیل ترس از آن‌ها، از بقعه خارج کرده و در خانه قاضی احمد کاکلی — که در همان نزدیکی بود — پنهان کردند. قاضی با مهربانی او را پذیرفت و سه روز تمام در خانه خود نگاه داشت. چون ترکمن‌ها همه‌جا را جست‌وجو می‌کردند، قاضی تصمیم گرفت اسماعیل میرزا را به خانه زنی به نام خانجان ببرد. این زن، اسماعیل هفت‌ساله را یک ماه کامل در خانه خود نگه داشت و سرپرستی کرد. فقط عمه اسماعیل، موسوم به پاشا خاتون (دختر شیخ جنید) که با ترکمنی به نام محمد بیگ ازدواج کرده بود، گاه‌به‌گاه او را ملاقات می‌کرد. به‌جز پاشا خاتون، هیچ‌کس از محل اقامت اسماعیل آگاه نبود — حتی مادرش — زیرا تا زمانی که ایبه سلطان در اردبیل بود، محل نگهداری اسماعیل از مادرش پنهان نگه داشته شد. این فرمانده ستمگر برای رسیدن به مقصود خود از هیچ خشونت، حتی شکنجه شاهزاده‌خانم مارتا، فروگذار نکرد.

پس از گذشت چهار هفته، پاشا خاتون ترتیبی داد تا اسماعیل به خانه زنی دیگر از طایفه ذوالقدر، به نام اوبه — که پیشه‌اش زخم‌بندی و جراحی بود — منتقل شود. این خانه در محله روملو (اعقاب کسانی که با وساطت خواجه علی از اسارت تیمور آزاد شده بودند) قرار داشت. به‌دلیل احتمال دستیابی رستم بیگ به این دو شاهزاده، آن‌ها به مسجد جامع اردبیل منتقل شدند. در آن‌جا، زن یادشده از اسماعیل محافظت کرد و هم‌زمان پیامی برای مادرش فرستاد و او را از زنده‌بودن فرزندش آگاه ساخت (هیتس، ۱۳۶۲: ۱۲۰-۲۲). بر اساس روایت مؤلف عالم‌آرای عباسی و دیگر مورخان آن دوره، مریدان صفوی برای نجات شاهزاده، با مادر اسماعیل مشورت کردند. وی توجه به جانب گیلان را به‌عنوان راهکاری مناسب و درخور زمان پیشنهاد داد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۲۵/۱؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۶۲؛ روملو، ۱۳۴۹: ۶).

در این میان، هشتاد تن از قزلباشانی که از جنگ با ترکمن‌ها جان سالم به در برده بودند، در کوهستان بغرو (باغرو یا طالش) در نزدیکی اردبیل اقامت داشتند. یکی از آن‌ها، رستم بیگ قرمانلو، برای نجات اسماعیل، نیمه‌شب به مسجد آمده و او را به همراه خود نزد نیروهایش در روستای گرگان و به خانه واعظی به نام فرخ‌زاد برد. اما به‌دلیل نبود امنیت، مارتا را همراه با دویست تن از مریدان خاندان

سبع‌مائه» (دبیاج، ۱۳۴۶: ۴۷-۸). در این‌جا، پیش از آن‌که دلایل رد انتساب سنگ مزار به تاجلو بیگم — همسر شاه اسماعیل صفوی — و اثبات تعلق آن به علم‌شاه خاتون — مادر شاه اسماعیل — بر پایه اسناد تاریخی عصر صفوی، تحقیقات معاصر، و تطابق محتوای کتیبه با گرایش‌های دینی و مذهبی صاحب مقبره ارائه شود، لازم است خلاصه‌ای از نقش مؤثر او در نجات جانشینان شیخ حیدر و مدیریت دوره بحرانی، از زمان قتل همسرش تا قیام شاه اسماعیل و تشکیل دولت صفوی، بیان گردد.

بازنگری منابع تاریخی اندک عصر صفوی نشان‌دهنده این نکته مهم است که عالم‌شاه بیگم نه تنها در تربیت فرزندان خردسال خود کوتاهی نکرد، بلکه با پذیرش خطرهای بسیار و تحمل زندان، شکنجه، و تبعید، همواره شریک درد و رنج فرزندان خود بود. از این‌رو، نام او در تاریخ جنبش صفوی باید به‌عنوان مادری فداکار ثبت شود:

«سلطان یعقوب، به‌دلیل واهمه‌ای که از قدرت روزافزون درویش صفوی داشت، از سال ۸۹۴ ق فرزندان سلطان حیدر را به فارس فرستاد و آنان را در قلعه مرو دشت محبوس کرد؛ این وضعیت تا زمان رهایی و بازگشت آن‌ها [به تبریز و سپس اردبیل]، که مقارن با به‌تخت‌نشستن رستم بیگ، فرزند یعقوب بیگ، در صفر سال ۸۹۶ ق و در دهه آخر رجب ۸۹۷ ق بود، ادامه داشت و فرزندان در مرو دشت تحت نظر زندگی می‌کردند» (فسایی، ۱۳۶۷: ۳۵۴؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳/۴۳۵؛ شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۲: ۷۰۸).

بازبینی متن نامه دسینا خاتون (ساره خاتون)، شاهزاده‌خانم یونانی و مادر علم‌شاه، که توسط آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی بازخوانی شده است (شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۲: ۷۱۰-۷۰۳)، نشانگر نقش مهم او در آزادی دخترش علم‌شاه و نوه‌هایش از اسارت در زندان قلعه مرو دشت است.

پس از واقعه عظمای قتل سلطان‌علی به‌دست رستم میرزا در سال ۹۰۰ ق، به فرمان عالم‌شاه بیگم، بیکر مطهر آن سرور ریاض کرامت و امامت را به دارالارشاد اردبیل منتقل کردند و در جوار مرقد مطهر جد بزرگوارش به خاک سپردند (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴). روایت شده است که شاهزاده‌خانم مارتا، پس از ورود به اردبیل، دو پسر خود را به بقعه فرستاد و خود متولی ترتیب مراسم تدفین پسرش سلطان‌علی شد. روزی پس از آن، ایبه سلطان و ترکمن‌های

که دسپینا کاترینا خاتون، در برهه‌ای از زندگی خود، به دین اسلام گرویده است.

### تجزیه و تحلیل باستان‌شناسی سنگ مزار حیات مقابر

در تحلیل تبارشناسی دینی صفویان، به‌ویژه تحولات دینی و مذهبی عالم‌شاه، مادر شاه اسماعیل، نکات زیر قابل توجه است: تمام مورخان ایرانی این دوره، مادر شاه اسماعیل را با نام‌های ایرانی - ترکی او چون عالم‌شاه بیگم یا بیگی آغا، خلیمه بیگی آغا و عالم‌شاه خاتون معرفی کرده‌اند (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۴۸؛ یوسف جمالی، ۱۳۷۲: ۱۵۸). همچنین از او با نام عالم‌شاه (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۳۰) و خلیمه بیگی آغا (فسایی، ۱۳۶۷: ۳۵۶) یاد شده است. در نامه تاریخی دسپینا مادر، از اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی موجود در موزه ملی، نیز از او با عنوان عالم‌شاه خاتون یاد شده است (شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۲).

در خصوص دلایل عدم درج نام واقعی بانوان منتسب به خاندان صفوی - از جمله مادر شاه اسماعیل - و معرفی ایشان با القاب متداول زمانه چون خان آقا خانم (یعنی بزرگ بانوان)، می‌توان گفت که این امر به شیوه خاص کتیبه‌نگاری آن دوره، از زمان شیخوخیت تا دوران حاکمیت صفویان، بازمی‌گردد که هدف آن نمایش منزلت خانوادگی و اجتماعی فرد بوده است. نمونه‌هایی از این سنت در معرفی بانوان و دوشیزگان سده هشتم هجری، هم‌زمان با عصر شیخ صفی‌الدین اردبیلی، شناسایی و بررسی شده است. برای نمونه، در کادر چهارگوش کتیبه معرق پیشانی صندوق چوبی متعلق به بی‌بی فاطمه، در آرامگاه محیی‌الدین محمد معروف به حرمانخانه، صاحب مزار با عبارت «دختر شیخ زاهد و همسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی» معرفی شده است. دو نمونه دیگر از آثار این آرامگاه، که به بانوان یا دوشیزگان آن دوره منسوب‌اند، فاقد نام و مشخصات متوفی‌اند.

باور بر آن است که چنین شیوه‌ای در معرفی بانوان صاحب مزار در خاندان صفوی، از تعالیم قرآنی ریشه گرفته باشد. چرا که در قرآن کریم نیز نام بسیاری از زنان و شخصیت‌های مؤنث به‌صراحت ذکر نشده است. این شیوه نه بدعتی مذهبی، بلکه سنتی برگرفته از قرآن است؛ چرا که در قصه‌های قرآنی نیز هنگام اشاره به زنان برجسته، به‌جای ذکر نام، از نسب یا جایگاه آن‌ها یاد می‌شود، مانند: همسر

صفوی - از جمله حسین بیگ‌لله شاملو، ابدال بیگ دده، و گوک‌علی از اهل آتاتولی - شبانه به گیلان فرستادند (شیبانی، ۱۳۴۶: ۷۱).

مارتا و فرزندانش پس از ورود به رشت، حدود یک ماه در مسجد جامع ایض رشت اقامت کردند، تا آن‌که حاکم لاهیجان، کارکیا میرزا علی - که از دودمان سادات، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع)، مقتدرترین حاکم آن نواحی و از وفادارترین هواداران صفوی بود - آن‌ها را نزد خود به لاهیجان فراخواند و آنان نیز پذیرفتند. پس از ورودشان، کارکیا که ارادت خاصی به شیخ صفی‌الدین داشت، از نوادگان او با نهایت احترام استقبال و پذیرایی شایسته‌ای به‌عمل آورد (روملو، ۱۳۴۹: ۸۱).

کاربرد «مارتا» یا «مارت» برای مادر شاه اسماعیل، در کنار «عالم‌شاه بیگم»، تنها در دو منبع از دوره صفوی ذکر شده است: احسن‌التواریخ (روملو، ۱۳۴۹: ۷۴۵، ۸۱) و سفرنامه ونیزیان در ایران (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۲۷۳، ۳۵۸، ۲۴۳-۲۰۹، ۲۴۱). والتر هینتس نیز به پیروی از همین منابع، در کتاب خود نام مادر شاه اسماعیل را «مارتا» ذکر کرده است (هینتس، ۱۳۶۲: ۸۷-۹۰). برابر گزارش سفرنامه ونیزیان، دسپینا کاترینا، شرط ازدواج خود با حسن بیگ را حفظ مذهب مسیحی‌اش قرار داده بود و تا پایان عمر نیز بر این مذهب باقی ماند. او چند کشیش را نیز با خود از طرابوزان به دیاربکر آورد. پس از مرگ، در شهر آمد (دیاربکر امروزی) و در کلیسایسن جورجو (یا جرجیس پاک) به خاک سپرده شد و حتی تا زمان دیدار بازرگانان ونیزی، مزارش در آن محل باقی بود. به روایت آنان، این مزار به شکلی خفت‌آور و در زیر رواقی نزدیک در کلیسا، در خاک دفن شده و سازه‌ای به شکل جعبه‌ای از آجر و خشت، به ارتفاع یک گام، عرض یک گام، و طول سه گام، بر فراز آن ساخته بودند (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۲۷۳، ۳۵۸، ۲۴۳-۲۰۹). از مفاد این گزارش می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر دسپینا خاتون بدون تابوت و به شیوه اسلامی دفن شده باشد، باید تغییر دین داده و مسلمان شده باشد. با این حال، علت ذکر عبارت «دفن به طرز خفت‌بار» مشخص نیست. شاید هم بازرگانان ونیزی، پس از مشاهده طریقه دفن و مقایسه با آداب مسیحی، آن را مطابق با موازین دین خود نیافته و چنین تعبیر کرده‌اند (یوسف جمالی، ۱۳۷۲: ۱۶۱). اگر این تحلیل درست باشد، می‌توان نتیجه گرفت

است. اما هم‌زمان با سلطان حیدر صفوی و در آستانه تلاش فرزندان این شیخ غازی برای تشکیل دولتی مستقل، شاهد تحولی بدیع در شیوه کتیبه‌نگاری این سلسله هستیم که در آن، واژگان دینی و سیاسی به صورت هم‌نشین به کار رفته‌اند. این تحول حتی در محتوای کتیبه سنگ مزار بانوی تأثیرگذار این سلسله، یعنی همسر شیخ حیدر، به وضوح قابل مشاهده است. بی‌تردید، این بانو که با عناوینی چون منبع زلال خلافت و عصمة السلطنتی و الدینا و الدین معرفی شده است، کسی جز مادر شاه اسماعیل، بنیان‌گذار دولت صفوی، نمی‌تواند باشد.

بررسی اسناد تاریخی و مدارک باستان‌شناسی عصر سلطان علی میرزا — فرزند ارشد شیخ حیدر — و دوره‌های پادشاهی شاه اسماعیل صفوی و شاه تهماسب، گویای هم‌نشینی واژگان دینی و سیاسی در میراث منقول و غیرمنقول این دوره، همچون کتیبه سنگ مزار مادر بنیان‌گذار سلسله صفوی است. در سنگ فرمان‌اِصدار سلطان علی میرزا یا سند سنگ سیادت صفویان به تاریخ ۸۹۶ یا ۸۹۷ ق، این شخصیت با القاب و عناوین بلند، از جمله: حضرت هدایت سمات، ولایت آیات، کرامت بیئات، سیدالسادات، منبع زلال السعادات، ابوالهدایه علی الصفوی معرفی شده است (شکل ۶).

با تشکیل دولت صفوی و هم‌زمان با دوره شاه اسماعیل، نام شهریار صفوی در سردر ایوان‌ها، درگاه‌های یادمانی، اسناد دیوانی و فرامین، با عبارات تفخیمی پرطمطراق، به نمایش درآمده است (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۳۷۲). مؤلف تاریخ حبیب‌السیر، شاه اسماعیل را این‌گونه معرفی می‌کند: دُر دریای ولایت، شهره شجره بوستان امامت، قدوه خاندان کرامات و امامت، وارث خلافت مرتضوی، پادشاه مرتضوی خصال، کرامت‌نژاد، خدام امامت‌آشیان، دودمان امامت امکان (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۶۲/۳، ۴۳۴، ۴۲۹، ۴۲۷، ۴۶۳، ۴۵۴-۴۵۵).

همچنین، درباره شاه تهماسب از عبارت نخستین ثمر نخل مطهر خلافت استفاده شده است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۲۵). کاربرد چنین اصطلاحاتی برای بنیان‌گذار سلسله و فرزند او در منابع تاریخی و کتیبه‌های این دوره بی‌دلیل نبوده است. اخلاف صفوی، خود را از نسل حضرت علی (ع) می‌دانستند (پیرزاده ابدال زاهدی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۰) و پیروانشان نیز به همین دلیل، آنان را مقدس می‌شمردند.

فرعون، همسر نوح، همسر لوط، همسر ابولهب و ملکه سبا. بنابراین صفویان نیز از چنین دیدگاهی تبعیت کرده و از ذکر نام اصلی دختران و بانوان خود در کتیبه‌ها پرهیز کرده‌اند.

به عبارت دیگر، اگر از ذکر نام اصلی زنان در منابع دوره صفوی، ناشی از غیرت مردانه و باورهای خاص آن دوران بوده است. قداست بنات در این دوره سبب شد به جای ذکر نام، تنها به لقب خانوادگی در کتیبه‌ها بسنده شود، یا آن‌که سنگ مزار، فاقد نام و مشخصات باشد. در اسناد تاریخی این دوره نیز نام بسیاری از زنان و دختران دودمان صفوی از جمله تاجلو خانم با عناوین شایسته آن زمان معرفی شده‌اند: شاه بیگی بیگم، خان بیگی خانم، خان خانم نمونه عناوین و القابی هستند که به همسر شاه اسماعیل داده شده است. از همین رو، هنگامی که زنان قزلباش، به‌ویژه نوادگان زن این قبایل، به قدرت اجتماعی و اقتصادی دست یافتند، این موقعیت در القابی که برای آنان به کار رفته، متجلی شد؛ القابی چون: اولیا حضرت، خاتون، خانم، سلطان، خان آقا، شاه سلطان، پادشاه بانو، سیده، بیگی و بی‌بی (مروار، ۱۳۸۴: ۸۳۶). بنابراین روشن است که چنین تفکر اسلامی و قرآنی، به‌منظور صیانت از جایگاه و شخصیت زنان، موجب حذف نام آن‌ها از کتیبه‌ها شده است؛ فرهنگی که پس از گذشت بیش از پنج قرن، هنوز نیز در شهر اردبیل قابل مشاهده و بررسی است.

اما نکته مهم در بررسی مضمون کتیبه سنگ مزار مورد بحث، ارتباط کاربرد واژگان با شخصیت دینی و سیاسی متوفی است. به عبارتی، در سبک کتیبه‌نویسی سنگ مزار این بانو، وجود عبارت تفخیمی منبع زلال خلافت، به‌ویژه عصمة السلطنتی و الدینا و الدین، در کتیبه‌های مجموعه میراث جهانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، منتسب به افراد ذکور و اناث، بی‌سابقه است. چراکه پیش از این، در کتیبه‌نگاری شخصیت‌های دینی و مذهبی — به‌ویژه شیوخ صفوی — در این مجموعه، افزون بر پیشوندهای اسامی، عبارات «الحق»، «الملء»، و «الدین» به کار رفته است. برای نمونه، عبارت «صفی الحق و الدین» برای شیخ صفی‌الدین در کتیبه صندوق چوبی و کاشی سردر رواق و درگاه دارالحفاظ، یا «محیی الملء و الدین» در صندوق چوبی مزار آرامگاه محیی‌الدین محمد، و عنوان «صدر الحق و الملء و الدین» برای صدرالدین موسی، شناسایی شده‌اند که بی‌ارتباط با کارکرد دینی و آموزشی آنان نبوده



شکل ۶. کتیبه‌های سنگ سیادت صفویان (نگارندگان)

حسنات، و تشیید مبانی بقاع خیر، سعی وافر از خود نشان می‌داد و برای تعمیر ولایت و رفاه رعیت، همواره حکایات دلپذیر به حضور شاه عالم‌گیر خاطر نشان می‌ساخت. قریب بیست سال بدین منوال در ظل رأفت حضرت شاه عمیم‌النوال به سر برد و پس از فوت حضرت شاه دین‌پناه، پانزده سال دیگر نیز در عهد دولت حضرت خلافت‌پناهی، شاه طهماسب (خَلدالله مُلکه و سلطنته) شأن و اقتدار خود را حفظ کرد. چون فرمان رحلت و انتقال از این سرای سریع‌الزوال فرارسید، در اصطخر فارس دیده از جهان فروبست» (الحسینی، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۶؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

باور بر این است که گزارش صریح‌الملک، تاریخ عباسی و دیگر مورخان عصر صفوی در ارتباط با تاریخ مندرج بر سنگ مزار حیاط مقابر، مقرون به حقیقت نیست. چراکه همان‌گونه که در منابع این دوره ذکر شده، «تاجلو خانم» در سال ۹۴۶ ق، یعنی شانزده سال پس از درگذشت شاه اسماعیل، به علت سعایت اطرافیان مورد بی‌مهری شاه طهماسب قرار گرفت، اموالش مصادره شد و به شیراز تبعید گردید. وی پس از وفات، یا احتمالاً به قتل رسیدن، در مزار بی‌بی فاطمه دختران شیراز دفن شد. در منابع آمده است: «الحق، آن خاتون به صفات حمیده متصف بود؛ در افاضه خیرات، اشاعه

ظهور رسیده است. به بیان دیگر، اگر در میان هنرهای چوبی، صندوق مرقد شاه اسماعیل شاهکار هنری عصر صفوی به شمار می‌رود، یقیناً در میان آثار حجاری نیز سنگ قبر مادر شاه اسماعیل زیباترین و برجسته‌ترین اثر است. تنها سنگ مزاری که از نظر نقش‌مایه‌های متنوع هنری و کاربرد آیات و احادیث، قابلیت رقابت با این اثر را دارد، سنگ مزار منسوب به ورسق، کنیز شاه عباس کبیر است.

### نتیجه‌گیری

اسناد و کتیبه‌ها از منابع دست‌اول برای بررسی تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوره‌های تاریخی به‌شمار می‌آیند. عصر پیشاصفوی، به‌ویژه دو تا سه دهه پایانی سده نهم هجری، از جمله ادوار بسیار مهم و درعین حال مبهم برای تحلیل فرایند علنی شدن گرایش مذهبی نوادگان صفوی و رشد تدریجی قدرت سیاسی و نظامی این دودمان در اردبیل و تلاش آنان برای رهایی از سلطه آق‌قویونلوها و پی‌ریزی پایه‌های معماری دولتی است که با تدبیر و درایت علم‌شاه خاتون و جان‌نثاری سلطان‌علی میرزا آغاز شد و با دلاورمردی و جسارت شاه اسماعیل به ثمر نشست.

بر پایه فرمانی از سلطان‌علی میرزا به تاریخ ۸۹۷ یا ۸۹۶ ق، که با عنوان «سند سیادت صفویان» شناخته می‌شود، برادر ارشد اسماعیل میرزا پیش از تاج‌گذاری شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ق، در ناحیه اردبیل حکومتی محلی و منطقه‌ای تأسیس کرده بود. افزون بر این سند، نامه‌ای بازشناسی شده از دسپینا خاتون در میان اسناد مجموعه مذهبی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز مؤید تغییر گرایش دینی مادر علم‌شاه خاتون و پذیرش سیادت از سوی آنان است.

این‌که علم‌شاه خاتون، همانند مادرش، پس از ازدواج با شیخ حیدر همچنان بر دین مسیحیت باقی مانده یا با پذیرش اسلام، به مذهب اهل‌بیت (ع) گرویده باشد، در منابع تاریخی با سکوتی مطلق همراه است. با آن‌که شماری از مورخان معاصر، از تاریخ وفات و محل دفن مارتا اظهار بی‌اطلاعی کرده و آن را مبهم دانسته‌اند، شواهد تاریخی و یادگارهای فرهنگی نویافته، از جمله سنگ مزار علم‌شاه خاتون و مفاد نامه دسپینا خاتون، نشان‌دهنده تغییر گرایش دینی این دو بانوی مؤثر در تاریخ صفوی، از مسیحیت به اسلام و پذیرش مذهب شیعه توسط علم‌شاه خاتون است. وی پس از ازدواج

روشن است که تاجلو بیگم، بیش از سه دهه پس از وفات شاه اسماعیل، درگذشته است. بنابراین، منطقی است که نسبت به گزارش‌های تاریخ عباسی و صریح‌الملک با احتیاط برخورد شود. به‌ویژه آن‌که در این منابع، به‌خصوص صریح‌الملک، محل دقیق بسیاری از بناها، از جمله آرامگاه شاه اسماعیل صفوی و زاویه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، با وضعیت موجود انطباق ندارد. در نتیجه، نظریه‌ای که سنگ مزار حیاط مقابر را متعلق به مقبره مادر شاه طهماسب می‌داند، جای تردید دارد. از سوی دیگر، تاریخ وفات مندرج در پهلوی شمالی سنگ مزار مورد بحث، با عبارت: سبع/تسع و عشرین و تسعمائه [۹۲۹ ق]، با گزارش وفات مادر شاه طهماسب در جواهر الاخبار و تاریخ ایلچی نظام‌شاه مطابقت نداشته و حدود ۳۵ سال اختلاف زمانی دارد. در نتیجه، تاریخ سنگ مزار با فرضیه کسانی که آن را به اشتباه ۹۱۷ ق قرائت کرده و به این سال منتسب نموده‌اند (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۲۳)، نیز همخوانی نداشته و مقرون به حقیقت نیست.

این موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم سال تولد طهماسب میرزا در منابع عصر صفوی در فاصله سال‌های ۹۱۸ تا ۹۲۰ ق ذکر شده است (پارسادوست، ۱۳۸۱: ۸-۲۳). قزوینی، تاریخ تولد طهماسب را صبح روز چهارشنبه ۲۶ ذیحجه ۹۱۹ ق در قریه شهاباد اصفهان ثبت کرده است (قزوینی، ۱۳۶۳: ۲۵۵). شاه تهماسب نیز در تذکره خود، تاریخ تولدش را بیست‌وسوم ذیحجه ۹۱۸ و تسعمائه عنوان کرده است (شاه تهماسب صفوی، ۱۳۶۳: ۲). همچنین در حبیب‌السیر و تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، سال تولد دومین حاکم صفوی، اواخر سال ۹۱۸ ق و مصادف با زمستان ذکر شده است (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۵۳۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۷۰: ۸۳). رویمر نیز با تحلیل اسناد تاریخی، تولد تهماسب را در سال ۹۲۰ ق می‌داند (Roemer, 1980: 240).

در نهایت باید افزود که این سنگ مزار، از نظر تزئینات کتیبه‌ای و جنس سنگ، از چشم‌گیرترین و ظریف‌ترین آثار مجموعه در هنر حجاری عصر صفوی به شمار می‌رود. چنان‌که هیچ‌یک از دیگر سنگ‌مزارات موجود در مجموعه، از نظر مضامین و حجم تزئینات، با آن قابل مقایسه نیست. به نظر می‌رسد طراحی و حجاری این شاهکار هنری، برای مزار بانویی برجسته از خاندان صفوی، به دست ماهرترین هنرمندان خوشنویس، خطاط و حکاک به منصه

آیات قرآنی نظیر آیه‌الکرسی (بقره/۲۵۵-۲۸۶)، والفجر/۲۷-۳۰، والضحی/۳-۱۱، الشمس/۱-۴ و همچنین مضامین عرفانی همچون مناجات‌نامه حضرت علی (ع) و صلوات کبیره، ارتباطی مستقیم با تغییر گرایش دینی علم‌شاه خاتون دارند.

### کتاب‌نامه

الحسینی، خورشاه بن قباد، ۱۳۷۹. تاریخی ایلچی نظام شاه، تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۲ق، تصحیح و تحشیه محمدرضا نصیری، کوئچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

الشیبی، کامل مصطفی، ۱۳۸۵. تشیع و تصوف تا آغاز سده‌ی دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.

باربارو، جورافا، امبروزیو کنتارینی، کاترینو زنو و دیگران، ۱۳۴۹. سفرنامه و نیزبان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.

براون، ادوارد، ۱۳۶۹. تاریخ ادبیات ایران، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوانی، ج ۴، تهران: انتشارات مروارید.

بلر، شیلا، ۱۳۸۷. معماری ایلخانی در نطنز مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، ترجمه ولی‌الله کاووسی، تهران: فرهنگستان هنر.

پارسادوست، منوچهر، ۱۳۸۱. شاه تهماسب اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

پیرزاده ابدال زاهدی، شیخ حسین بن شیخ، ۱۳۹۵. سلسله‌النسب صفویه، تصحیح حسین نصیر باغبان، تهران: ارمغان تاریخ.

ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین، ۱۳۵۵. آثار باستانی آذربایجان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین، ۱۳۸۷. آثار باستانی استان اردبیل، تبریز: مهد آزادی.

ترکمان منشی، اسکندریگ، ۱۳۵۰. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر: اصفهان: کتابفروشی تأیید.

جهادگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)، ۱۳۶۴. تصحیح الله‌داتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

حیدری، اصغر، ۱۳۸۷. «تحلیلی پیرامون مذهب و سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیلی جد بزرگ پادشاهان صفویه: نقد نظریات احمد کسروی»، تاریخ معاصر ایران، ۱۲ (۴۶): ۱۰۳-۱۴۳.

با شیخ حیدر، نام خود را به «حلیمه بیگی آغا» تغییر داد. افزون بر این، نگارش آیات قرآنی و عبارات تفخیمی به خط ثلث خفی در چهار کادر نواری پهلوی شمالی سنگ مزار این شخصیت نیز از دیگر دلایل تغییر مذهب صاحب مقبره و پذیرش مذهب جدید از سوی او به‌شمار می‌رود. سه آیه نخست سوره مبارکه الشمس در نوار فوقانی قابل مشاهده است که ادامه آن در نوار پهلوی شرقی تداوم یافته است. نوارهای تحتانی سمت سر نیز شامل عباراتی در معرفی و مدح صاحب مقبره و تاریخ وفات در انتهای کتیبه است:

هذه مرقد العقیفه الطاهره منبع زلال الخلافه الباهره عصمه السلطنتی الدنیا و الدین خان آقا خانم تغمده‌الله تعالی بالرحمه و الغفران و اسکنها فی فرادیس‌الجنان سنه سبع/تسع عشرین و تسعمائه [۹۲۷/۹۲۹ق].

عدم درج نام اصلی علم‌شاه خاتون در سنگ مزار این بانوی مؤثر صفوی، همانند دیگر سنگ مزارات و صندوق‌های چوبی آرامگاه‌های زنان خاندان صفوی در مجموعه جهانی خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در دورانی پیش از تشکیل دولت صفوی، برگرفته از نگاه قرآنی و اسلامی به این موضوع بوده است. نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در صندوق‌های چوبی همسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی و دخترش بر روی مقابر آرامگاه خواجه محیی‌الدین محمد پسر شیخ صفی‌الدین، معروف به «حرمخانه» مشاهده کرد.

در کتیبه سنگ مزار موردبحث نیز، با الگوبرداری از نگاه قرآنی، صاحب مقبره با القاب درباری «خان آقا خانم» و عبارات تفخیمی، همانند مثال یادشده و همچنین نامه دسپینا خاتون به دخترش علم‌شاه، با هم‌نهشتی متون دینی و دنیوی «عصمه السلطنه و الدنیا و الدین» معرفی شده است.

همچنین تدفین وی به سبک اسلامی در جوار روضه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، و طراحی نقش مایه‌های هنری با رویکرد تفسیر شیعی در سطوح مختلف سنگ مزار مادر شاه اسماعیل صفوی، این اثر را به شاهکاری در هنر سنگ‌تراشی، کتیبه‌نگاری، حکاکی، طراحی و خوشنویسی بدل کرده است. این سنگ‌مزار، جلوه‌گاه ادبیات عرفانی شیعی و هم‌نهشتی متن و نقش در هنر حجاری است. کادر پیشانی آن با آیه نخست سوره الرحمن، حاشیه‌های فوقانی چهار سوی سنگ، و گستره‌های شمالی و پهلوهای آن با

حیدری، اصغر و ناصر باقری بیدهندی، ۱۳۹۰. «نگاهی به موضوع سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، تاریخ در آینه پژوهش، ۸ (۲): ۵۹-۸۲.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، ۱۳۵۳. تاریخ حبیب‌السیبر فی اخبار افرادالبشر، ج ۳ و ۴، زیرنظر محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات خیام.

دیباچ، اسماعیل، ۱۳۴۳. راهنمای آثار تاریخی اردبیل، تبریز: بی‌نا.

دیباچ، اسماعیل، ۱۳۴۶. آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.

رحیمی، سیده زهرا، ۱۳۹۸. بررسی تحلیلی خطوط و نقوش سنگ‌قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

روملو، حسن بیگ، ۱۳۴۹. احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رویمر، هانس روبرت، ۱۳۷۰. «مذهب شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، ترجمه کیکاووس جهانداری، یکی قطره باران: یادنامه دکتر عباس زریاب خویی، به اهتمام احمد تفضلی، تهران: نشر نو، صص. ۳۲۵-۴۵.

شاه تهماسب صفوی، ۱۳۶۳. تذکره شاه تهماسب: شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه تهماسب صفوی، به کوشش امرالله صفوی، تهران: انتشارات شرق.

شایسته‌فر، مهناز، ۱۳۷۷. «تزیینات کتیبه‌ای سنگ‌قبرهای شیخ صفی و تطبیق آن با نهارخوران گرگان»، کتاب ماه هنر، ۱۳۴: صص. ۸۱-۷۴.

شهبازی شیران، حبیب، ۱۳۷۲. مجموعه شیخ صفی در اردبیل، اردبیل: بی‌نا.

شیبانی، نظام‌الدین مجیر، ۱۳۴۶. تشکیل شاهنشاهی صفویه، تهران: دانشگاه تهران.

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، ۱۴۰۲. «نامه دسپینا خاتون (همسر اوزون حسن)، به دخترش علم‌شاه خاتون»، پرتو مشکوه: مجموعه مقالات در گرامی‌داشت آیت‌الله سید محمد مشکوه بیرجندی، به مناسبت شانزدهمین دوره آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی (جایزه سید عبدالله انواری)، به کوشش غلامرضا امیرخانی و سید صادق

سجادی، تهران: خانه کتاب و ادبیات ایران و سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران، صص. ۷۱۰-۷۰۳.

صفایی، صابر، ۱۳۹۷. «بررسی خطوط خوشنویسی کتیبه‌های سنگ‌مزارهای شهدای جنگ چالدران در شهیدگاه اردبیل»، تاریخ روایی، ۲ (۸): ۵۷-۸۲.

صفری، بابا، ۱۳۷۰، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد ۲، تهران: چاپخانه بهمن.

عالم‌آرای‌صفوی، ۱۳۶۳. تصحیح یدالله شکری، تهران: انتشارات اطلاعات.

فسایی، حسن بن حسن، ۱۳۶۷. فارسنامه ناصری، به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

فلسفی، نصرالله، ۱۳۷۵. زندگانی شاه عباس اول، تهران: انتشارات علمی.

قزوینی، عبداللطیف یحیی، ۱۳۶۳. لب‌التواریخ، تهران: انتشارات بنیاد گویا.

کسروی، سید احمد، ۱۳۵۲. کاروند کسروی، تدوین یحیی ذکاء، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

گلمغانی زاده اصل، ملکه، ۱۳۸۱. تزیینات کتیبه‌ای بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سنگ‌نوشته‌های آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر (منتشر نشده).

مروار، محمد، ۱۳۸۴. «تأملی در باب زن در دوره صفویه»، در مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، به کوشش مقصودعلی صادقی، تبریز: انتشارات ستوده.

منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد، ۱۴۰۰. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، تصحیح مقصودعلی صادقی، تهران: نگارستان اندیشه.

منشی قزوینی، بوداق، ۱۳۷۸. جواهرالخبار، بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا ۹۸۴ ق، مقدمه، تصحیح و تعلیقات حسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.

موریموتو، کازوئو، ۱۳۹۰. «اولین نشان از سیادت صفویان در کتب انساب مدرکی جدید برای ادعای پیش صفوی سیادت»، ترجمه علی خاکپور، پیام بهارستان، ۳ (۱۱): ۲۶۳-۲۴۱.

موسوی اردبیلی نجفی، فخرالدین، ۱۳۴۷. تاریخ اردبیل و دانشمندان، نجف الاشرف: مطبعه الاداب.

یوسفی، حسن، ۱۳۹۵. بازنگری مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی؛ براساس جدیدترین دستاوردهای معماری حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

یوسفی، حسن و ملکه گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹. هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی یاوربان.

یوسفی، حسن، جواد نیستانی، علیرضا هژبری نوبری، سید مهدی موسوی کوهپر، ۱۳۹۴. «تحلیلی بر سیادت صفویان در دوره پیش‌صفوی براساس سندی نویافته باستان‌شناسی در مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۵ (۸): ۱۹۱-۲۰۷.

Morton, A. H., 1974. "The Ardabil Shrine in the Reign of Shah Tahmasp I", *Iran*, 12: 31-64.

Roemer, H. R., 1980. "The Safavid Period", in P. Jackson and L. Lockhart (eds.), *The Cambridge History of Iran, Vol. 6: The Timurid and Safavid Periods*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 189-350.

Sarre, F. P. T., 1924. *Ardabil: Grabmoschee des Schech Safi*, Berlin: E. Wasmuth.

موسوی، سید محمود، ۱۳۷۸. «کاوش بخش غربی مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، به‌کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص. ۴۳۴-۴۰۹.

میراحمدی، مریم، ۱۳۶۳. دین و مذهب در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.

میرخواند، امیرمحمود، ۱۳۷۰. تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی، تصحیح و تحشیه محمدعلی جراحی، تهران: نشر گستر.

نعمت‌اللهی، عبدالصالح، ۱۳۶۱. تیغ برنده (پاسخ به کتاب شیخ صفی و تبارش)، تهران: چاپخانه پیام.

واله اصفهانی، محمدیوسف، ۱۳۷۲. خلد برین، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات افشار.

ویلبر، دونالد، رتنا هلد و لیزا گلمبک، ۱۳۷۴. معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

ویور، مارتین، ۱۳۵۶. بررسی مقدماتی مسایل حفاظتی پنج بنای تاریخی ایران، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: سازمان حفاظت آثار باستانی.

هیئتس، والتر، ۱۳۶۲. تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.

یوسف جمالی، محمدکریم، ۱۳۷۲. تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده امامی به عنوان تنها مذهب رسمی، اصفهان و تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر شعبه اصفهان.